

چین چگونه مناطق آزاد خود را اداره می‌کند؟ تمرکززدایی قدرت به نفع مقامات محلی رمز موفقیت اقتصاد چین

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل منطقه آزاد چابهار به نقل از فرینا به نقل از اقتصاد ۲۴، در میان کشورهای سوسیالیست، چین اولین و موفق‌ترین کشوری بود که به اصلاحات اقتصادی گسترده دست زد. چین از زمان شروع سیاست درهای باز، گام‌های سریعی در عرصه توسعه اقتصادی برداشت و از دهه ۷۰ میلادی اصلاحات اقتصادی‌اش را آغاز کرد و با ایجاد دستاوردهای سریع اقتصادی راه را بر مدرنیزاسیون صنعتی در این کشور گشود.

چین در واقع با مشاهده موفقیت مناطق اقتصادی کشورهای هنگ کنگ، تایوان، مالزی، اندونزی و کره جنوبی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی تلاش کرد مناطق مشابهی با تغییرات و اصلاحات مناسب که با ویژگی‌ها و شرایط خاص کشورش هماهنگ باشد ایجاد کند. این کشور دریافت که تاثیر مناطق پردازش صادرات سنتی، به دلیل عرصه فعالیت محدود، نمی‌تواند در اقتصاد وسیعی مثل اقتصاد چین چشم‌گیر باشد؛ از این‌رو، با طراحی مدل SEZ (مناطق اقتصادی ویژه) با عملکرد توسعه‌ای جامع‌تر توانست به کارکرد وسیعی در زمینه‌های مختلف مثل توریسم، توسعه زیر بناها، بانک‌داری، پردازش و تولید جهت صادرات و حتی کشاورزی و دام‌داری دست یابد.

مناطق ویژه اقتصادی چین نیز به عنوان کاتالیزوری برای اقتصاد چین به منظور انتقال از یک اقتصاد برنامه‌ریزی شده صرف به یک ترکیبی از اقتصاد مرکزی برنامه‌ریزی شده و بازار آزاد بود. این مناطق توانستند علاوه بر تحریک اقتصاد چین به وسیله جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، از طریق پردازش مواد وارداتی، تجارت جبرانی، شرکت‌های تعاونی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و... واحدهایی برای تجربه اقتصادی برای چین باشند.

امروز چین دارای ۱۱ منطقه آزاد تجاری است که هفت منطقه آن اخیراً در سال ۹۶ در استان‌های لیائونینگ، ججیانگ، هنان، هوئی، سیچوان، شانشی و چونگ‌کینگ راه‌اندازی شد. هدف از ایجاد این مناطق آزاد «کاهش تشریفات اداری» و «تسهیل در سرمایه‌گذاری‌های تجاری» عنوان شد.

استفاده از مزیت تجارت آزاد از طریق راه‌اندازی و توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و اتخاذ سیاست‌های نوین، این کشور را قادر به رشد اقتصادی سریع و حضور موثر و فعال در عرصه اقتصاد جهان ساخت. در حقیقت مناطق ویژه اقتصادی میدان آزمایش و تجربه چین در جهت تغییر ساختار اقتصادی و پنجره‌ای به روی خارجی‌ها بود.

به عنوان بخشی از اصلاحات اقتصادی و اجرای سیاست درهای باز، دولت چین بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۴ میلادی مناطقی را در شانتو، شژن و ژوهای در استان گوانگ‌دونگ و شیامن در استان فوجیان و تمام استان هینان را منطقه ویژه اقتصادی معرفی کرد و تا سال‌های بعد نیز بر تعداد آن افزود. اهداف مهم و اصلی مناطق ویژه اقتصادی چین شامل توسعه همکاری‌های تکنولوژیک و اقتصاد خارجی، ایجاد فرصت‌های شغلی، توسعه بهره‌وری و گسترش تجارت خارجی بود.

یکی از نقاط قوت و ویژگی‌های بارز ساختار مدیریتی مناطق ویژه اقتصادی (SEZ) تمرکززدایی قدرت‌های تصمیم‌گیر اقتصادی به نفع مقامات محلی و یا تغییر جهت از سیستم مدیریتی بسته به اقتصاد آزاد است. مدیریت مناطق ویژه اقتصادی بر عهده مسئولان محلی (ایالتی) نهاده شد که دارای قدرت اجرایی و قانونی بسیار جهت تصویب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی و تنظیم تجارت بودند. تاثیر SEZ ها در اقتصاد چین وسیع‌تر و فراتر از مرزهای این مناطق بود به طوری که این مناطق فعالیت‌های صادراتی را در سر تا سر اقتصاد چین گسترش داده و الگویی برای پیشرفت سایر نواحی شدند. آنها همچنین پیشگام تغییر اقتصاد محلی و ارتباط آن با مناطق داخلی، ارتقای تکنولوژیک و توسعه منطقه‌ای و سرعت بخشیدن به ادغام اقتصاد چین در اقتصاد جهانی بودند.

مناطق آزاد (FEZ) در چین به چه صورت هستند؟

نخستین منطقه آزاد تجاری چین یعنی منطقه آزاد تجاری شانگهای سپتامبر ۲۰۱۳ با سر و صدای زیاد شروع بکار کرد. در آن زمان هدف آن بود که این منطقه آزاد به آزمایشگاهی برای اصلاحات اقتصادی و مالی کشور مانند لغو کنترل ها بر میزان بهره و آزاد شدن نرخ برابری یوان تبدیل شود.

این بندر به سرعت مسیر توسعه را پیش گرفت و در سال ۲۰۱۸ بزرگترین بندر کانتینری جهان، معرفی شد. پیش از آن سنگاپور برای ۹ سال این رتبه را در اختیار داشت و پس از آن دولت چین ۱۲ منطقه آزاد تجاری دیگر ایجاد کرد و به دنبال آن توسعه سیاست های جدید را مدنظر قرار داد. برای مثال سیاست ابتکاری “One Belt, One Road” (یک کمربند، یک جاده) برای تقویت تجارت در کشورهای آسیای مرکزی و اوراسیا و تشویق تجارت در مسیر جاده ابریشم بود.

برای چین ایجاد مناطق آزاد تجاری تحولی بزرگ در عرصه سیاستگذاری و اندیشه اقتصادی بود و چین یکی از عواملی بود که اندیشمندان و سیاستگذاران را وادار به تجدیدنظر و روی آوردن به اجماع فرا واشنگتنی کرد؛ علاوه بر آن در نظر داشت با این روش از قاچاق کالا به سرزمین اصلی چین جلوگیری کند.

اما اقتصاددانان مزیت مناطق آزاد چین را برای سرمایه گذاری، انبارداری بدون مالیات، روش های ساده گمرکی، فرآیندهای ساده و کوتاه مدت، ترخیص سریع کالا و ... می دانند. مدیر یکی از شرکت های سرمایه گذاری در شانگهای معتقد است منطقه آزاد شانگهای به زودی به یک مرکز مالی جهانی تبدیل خواهد شد.

اما شاید بتوان گفت تنها اشتباه چینی ها در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، اختلافات منطقه ای بود که میان مناطق اقتصادی ویژه و آزاد و دیگر مناطق ایجاد شده بود، هرچند برای آن هم سیاست هایی در نظر گرفته شده بود اما همچنان یکی از مشکلات چین محسوب می شود. استراتژی توسعه غرب چین به عنوان سیاستی برای کاهش اختلافات منطقه ای به کار گرفته و تصمیم گرفته شد با سیاست احیای مراکز صنعتی قدیمی و استفاده از مزایای جغرافیایی غرب چین این تفاوت ها کاهش یابد تا از بی ثباتی های اجتماعی و تفاوت سطح زندگی جلوگیری کند اما این سیاست ها هم نتوانست اهداف مورد نظر آنها را کاملاً تحقق بخشد و کارشناسان معتقدند برای این منظور می بایست راه های دیگری در نظر گرفته شود.

اما آنچه که مشخص است و در آمارهای دولت چین نیز به آن اشاره شده نقش بی بدیل مناطق آزاد چین در رشد اقتصادی این کشور است، رشدی که باعث وحشت دولت آمریکا شده که مبادا چین ظرف سال های آتی از جایگاه رتبه دوم به اقتصاد اول اقتصاد جهان تبدیل شود و عملاً جای ایالات متحده را بگیرد.

جنگ اقتصادی چین و آمریکا و تاثیر آن بر اقتصاد چین

آمار رسمی نشان می دهد که رشد اقتصادی چین در سال گذشته میلادی (۲۰۱۸)، ۶٫۶ درصد بوده است. هرچند این میزان باز هم از استاندارد جهانی بالاتر است اما در مقایسه با سه دهه قبل نگرانی هایی را در خصوص تضعیف اقتصاد چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان به وجود می آورد.

کاهش سرمایه گذاری خارجی و تقاضا در بازار داخلی از جمله عوامل تضعیف کننده اقتصاد چین محسوب می شود هر چند به نظر می رسد این موضوع با تاثیرپذیری از تصمیمات دونالد ترامپ در خصوص تعرفه های جدید بر کالاهای چینی باشد، اما برخی معتقدند این موضوع پیش از آغاز جنگ تجاری با آمریکا آغاز شده بوده است و حتی مذاکره با آمریکا نمی تواند ضامن سرعت گرفتن رشد اقتصادی چین باشد.

به نظر می رسد با این روند دولت چین می بایست سیاست های حمایتی جدید را در نظر بگیرد و با کاهش مالیات رشد اقتصادی بیشتری را ایجاد کنند.

